

معجزات و ارهاصات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دیدگاه آنه‌ماری شیمل

ناهید طیبی^۱

معصومه ستوده آرنی^۲

چکیده

مطالعات اسلامی و به‌ویژه تحلیل سیره رسول خدا از منظر شرق‌شناسان به جهت نگاه برون‌دینی و روش‌های متنوع پژوهشی آنان دارای اهمیت است. کتاب محمد رسول خدا اثر آنه‌ماری شیمل در معرفی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آثار حوزه استشراق است که نگاهی آمیخته با عرفان و تصوف به سیره و تاریخ رسول خدا دارد. این پژوهش با هدف شناخت و نقد دیدگاه‌های شیمل به روش تحلیلی و انتقادی درصدد پاسخ به این است که چه نقدهایی بر دیدگاه‌های خانم شیمل در مورد ارهاصات و معجزات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم وارد است؟ بر اساس یافته‌های تحقیق، شیمل بدون طیف‌بندی به ثبت گزارش‌های معجزات می‌پردازد. در موضوع ناهماهنگی بین ادعای فوق بشری بودن نبی و پذیرش گزارش‌های خوارق عادات و به‌ویژه تأکید بر شق صدر، عدم تفکیک بین ارهاصات و معجزات و ایجاد ارتباط بین معجزات نبی با روایات کهن هند نقدهای محتوایی بر رویکرد شیمل وارد است. در مواردی مانند رویکرد صوفیانه به سیره نبوی و معجزات، اتکاء به منابع اهل سنت و استفاده اندک از منابع شیعی و اعتماد به افسانه‌ها و اسطوره‌سازی‌ها نیز نقدهای روشی بر شیمل وارد است.

کلیدواژه‌ها: آنه‌ماری شیمل، ارهاصات، محمد رسول خدا، مستشرقان، معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

۱. پژوهشگر و مدرس جامعه الزهرا علیها السلام، دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مدرسه عالی بنت الهدی (نویسنده مسئول).

tayyebi110@yahoo.com

۲. طلبه سطح ۴ تاریخ و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حوزه علمیه خاوران قم جامعه الزهرا علیها السلام.

M_sotode66@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۴/۰۵

درآمد

شخصیت و زندگی حضرت محمد ﷺ به‌عنوان پیامبر الهی و منشأ تحولات بزرگ در عالم بشریت، همواره مورد توجه نویسندگان و محققان مسلمان و غیرمسلمان بوده‌است. تصویری که خاورشناسان از زندگی و شخصیت حضرت محمد ﷺ ارائه کرده‌اند در بسیاری از موارد با تصویر ارائه شده از سوی مورخان مسلمان متفاوت است. این امر علاوه‌بر بینش دینی، سیاسی و علمی خاورشناسان به شیوه مطالعات آنان در مسائل تاریخ اسلام باز می‌گردد. برخی از آنان در بررسی بسیاری از حوادث و ماجراهای عصر رسول خدا چنان‌که باید کامیاب نبوده‌اند و بعضی دیگر با شناخت صحیح از منابع اسلامی تحلیل‌های مناسبی ارائه داده و به واقعیت نزدیک شده‌اند. بنابراین، بررسی و تحلیل دیدگاه شرق‌شناسان ضروری است. در نوشتار حاضر با تکیه‌بر کتاب محمد رسول خدا^۱ اثر آنهماری شیمل^۲، گزارش‌های او درباره ارهاص و معجزات پیامبر ﷺ در مکه بررسی شده‌است.

پیشینه پژوهش

در مورد خانم شیمل و آثار او درباره مطالعات اسلامی، مقالات متعددی نوشته شده‌است. کتاب مستقلی با عنوان آشنایی از آن سوی افق (۱۳۸۳ ش)، شامل مقاله‌های سمینار بزرگداشت این بانوی شرق‌شناس آلمانی است. «روش اسلام شناسی آنهماری شیمل» نگاشته شهرام پازوکی، «شناخت نامه پروفیسور آنهماری شیمل / اشتفان وایدنر» و «کتابشناسی آثار پروفیسور آنهماری شیمل» نگاشته خسرو ناقد از جمله مقالات مهم این مجموعه است. همچنین خندق‌آبادی (۱۳۸۶ ش) در کتاب افسانه‌خوان عرفان به شرح حال، آثار و افکار شیمل پرداخته است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر دیدگاه شیمل را در مورد معجزات پیامبر ﷺ با استفاده از کتاب او مورد بررسی قرار می‌دهد، از مقالات مربوط به معرفی کتاب محمد رسول خدا نیز می‌تواند استفاده کند. گلی زواره (۱۳۸۵) در مقاله «نظری به کتاب محمد رسول خدا» به توضیح و معرفی شیمل و کتاب او پرداخته است. همچنین ابراهیم زاده گرجی (۱۳۸۵ ش) در مقاله «دمی با محمد، رسول خدا نوشته خانم آنهماری شیمل» به بررسی و معرفی این کتاب می‌پردازد و به‌صورت کلی این اثر را نقد می‌کند. این مقالات به‌طور مستقل به موضوع معجزات پیامبر ﷺ نپرداخته‌اند، اما در ترسیم نظام فکری و روشی وی مؤثرند.

1. *And Muhammad Is His Messenger.*
2. Annemarie Schimmel.

۱- اِرْهَاص

اِرْهَاص^۱ برگرفته از «رَهْص» به معنای اصرار، اثبات، آماده ساختن، محکم کردن و تأسیس بنیان است؛ چنانکه «رَهْص» به معنای چینه، بُن دیوار یا ساختن رگه زیرین بناست (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۰۴۲/۳). در اصطلاح متکلمان، مراد از ارهاص، حوادث خارق العاده‌ای است که پیش از بعثت (تَهائوی، ۱۹۹۶: ۱۴۱/۱) یا در آستانه میلاد انبیا یا پس از آن و پیش از ادعای نبوت به وقوع می‌پیوندد (حلی، بی تا: ۹۱). ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی آن را این گونه می‌توان توجیه کرد که با ارهاص، قاعده و پایه نبوت پی‌ریزی می‌شود و دلالت می‌کند که در آینده پیامبری مبعوث خواهد شد (تَهائوی، ۱۹۹۶: ۱۴۱/۱). عجم (۲۰۰۴: ۲۲/۲) در معادل لاتین ارهاصات را به صورت Superatual Deeds آورده است. این اصطلاح، اعم از مفهوم ارهاصات مورد نظر و در حقیقت به معنای «افعال خارق العاده» است که یکی از آنها می‌تواند ارهاص باشد. اگر در صورت لاتین آن وصف اضافه‌ای چون «قبل از بعثت» می‌داشت، بیشتر با لفظ عربی آن هماهنگ می‌شد (طیبی، ۱۴۰۳: ۲۱-۲۲).

۲- معجزه

معجزه، از مصدر «اعجاز»، مشتق از ریشه ثلاثی مجزء «عجز»، به معنای درماندگی، ناتوانی و نیز پایان هر چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۶۹/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۲۱/۲). اعجاز به معنای ناتوان ساختن یا ناتوان یافتن دیگری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۷). در اصطلاح علم کلام، معجزه امر خارق العاده‌ای است که همراه با ادعای نبوت و تحدی توسط پیامبران انجام می‌شود و کسی توان مقابله با آن را ندارد (جرجانی، ۱۴۱۲: ۹۶). می‌توان گفت عجز و ناتوانی دیگران در انجام کار خارق العاده دلیل استفاده از واژه معجزه است. عجز در اصطلاح عرفی در مواردی چون عجز و به معنای ضعف نیز استعمال شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۷). گفته شده واژه معجزه، اسم فاعل از باب افعال است که دو معنا را می‌رساند؛ به همین دلیل می‌توان برای معجزه، دو مفهوم اصطلاحی متفاوت «عاجز و ناتوان کردن» و «عجز و ناتوانی دیگران را آشکار ساختن» تصور کرد. معنای دوم با تعبیر تفتازانی (متوفای ۷۹۱، ۱۴۰۹: ۱۱/۵) بیشتر تناسب دارد. وی می‌نویسد: «حقیقت معجزه، اثبات ناتوانی [دیگران] است؛ سپس به صورت استعاره در معنای آشکار کردن ناتوانی به کار رفته است». با دقت در روایات می‌توان دریافت که مردم دوران جاهلی، با واژه معجزه به معنای اصطلاحی خرق عادت مقرون به دعوت نبوت، کاملاً آشنا بودند؛ از این رو

۱. ارهص الشيء: ای اثبته و أسسه.

درخواست معجزه می‌کردند و پاسخ این درخواست‌ها نیز در قرآن وجود دارد؛ با این تفاوت که واژه‌های «آیه»، «بینه»، «سلطان» و «برهان»، به‌جای معجزه استفاده شده‌است (بقره/۸۷، ۹۲، روم/۲۲-۲۳، اعراف/۷۳، ۱۰۵). برخی در تعریف معجزه، خیر بودن آن را نیز مطرح کرده‌اند (جرجانی، ۱۴۱۲: ۹۶). مفید (۱۴۱۴: ۲/۲۲۳) در کتاب الارشاد، واژه معجزات را به «براهین واضحات» عطف می‌کند؛ یعنی معجزه را نوعی برهان روشن می‌داند. وی در کتاب دیگر خود، معجزه را امری غیرعادی ذکر می‌کند که از مدعی نبوت سومی‌زد تا گواه بر درستی ادعای نبوت باشد؛ عملی که دیگران از انجام آن ناتوان باشند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۵). البته در پاسخ به اینکه چرا در مناظره‌های علمی به ادله عقلی بسنده می‌شود نه معجزات، گفته می‌شود که علت آن بی‌اعتنایی به مسئله اعجاز نبوده؛ بلکه به سبب درک نکردن طرف مقابل و انکار مسئله از سوی او بوده‌است (نجفی یزدی، ۱۳۸۵: ۱۴۵). معجزاتی که خارج از ذات آن حضرت است؛ مانند شق القمر، سلام سنگ، تسبیح ریگ‌ها، حرکت درخت با ریشه که در نهج البلاغه (خطبه ۱۹۲) به آن اشاره شده، به همین منظور از پیامبر ﷺ صادر شده‌است (نک. طیبی، ۱۴۰۳: ۷۳-۷۵).

زندگی‌نامه و آثار آنه‌ماری شیمل

آنه‌ماری شیمل هفتم آوریل ۱۹۲۲ در شهر فورت آلمان متولد شد. او در شانزده سالگی و پس از اتمام دوره دبیرستان، در کلاس‌های تاریخ هنر اسلامی ارنست کونل شرکت کرد و همزمان از والز بیرکمن زبان عربی آموخت. وی در ۱۹ سالگی رساله‌اش را با عنوان «خلیفه و قاضی در مصر در اواخر قرون وسطی» به راهنمایی ریچارد هارتمان به پایان رساند و از دانشگاه برلین فارغ‌التحصیل شد (وایدنر، ۱۳۸۲: ۲۰). بخشی از دوران زندگی شیمل همزمان با جنگ جهانی دوم بود. او تا پایان جنگ، مترجم وزارت خارجه آلمان بود. پس از خاتمه جنگ و اشغال شهر زاکس، شیمل به مدت پنج ماه و نیم در شهر ماربورگ همراه دیگر نازی‌ها و اسیران آلمانی به زندان افتاد. در سال‌های پر خوف و بیم جنگ و بمباران‌های ویرانگر متفقین به مولانا پناه برد و با خواندن مثنوی، خود را از غم هر روزه رهانید (شیمل، ۱۳۸۳: ۲۱). او پس از آزادی در سن ۲۳ سالگی به بخش شرق شناسی دانشگاه ماربورگ پیوست. سپس در سال ۱۹۴۹ به دانشگاه اویسالا رفت و در سال ۱۹۵۱ به دریافت دکترای تاریخ ادیان نائل آمد. در سال ۱۹۵۲ به ترکیه سفر کرد. پس از مدتی در دانشگاه‌های ترکیه مشغول به تحصیل شد. انگیزه‌های درونی و علاقه به اسلام‌شناسی و عرفان اسلامی دلیلی شد بر اینکه شیمل زبان فارسی را مانند زبان‌های اردو، ترکی و عربی فراگیرد (همان، ۲۲).

شیمل در سال ۱۹۹۹ عهده‌دار کرسی فرهنگ اسلامی هند در دانشگاه هاروارد شد. در سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۶۳ سردبیر نشریه فکر و فن شد و ده‌ها مقاله عالمانه منتشر کرد. او در سال ۱۹۸۱

ریاست انجمن جهانی علوم دینی را پذیرفت و از سال ۱۹۸۶ ریاست مرکز بین المللی تاریخ ادیان را بر عهده گرفت. وی در اول فوریه ۲۰۰۳ (مصادف با بهمن ۱۳۸۱ ش) چشم از جهان فروبست (همان، ۲۳).

آثار شیمیل در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی از تنوع بسیاری برخوردار است. یکی از آثار ارزشمند شیمیل کتاب محمد رسول خدا است که آن را به زبان آلمانی نوشته و با ترجمه انگلیسی به چاپ آن اقدام کرده است. این کتاب با ترجمه حسن لاهوتی و ویراستاری بهاءالدین خرمشاهی توسط انتشارات علمی و فرهنگی در سال ۱۳۸۳ ش به فارسی منتشر شد. این کتاب در دوازده فصل همراه با پیشگفتار مؤلف و مترجم، پیوست‌ها، یادداشت‌ها، نمایه، کتابنامه مؤلف و مترجم، تصاویر و طرح‌های جالب به چاپ رسیده است. شیمیل به تمدن و معارف اسلامی در تمامی ابعاد و جلوه‌های آن عشق می‌ورزید. رسول اکرم چنان‌که از این کتاب ۵۵۱ صفحه‌ای هویداست، نزد او مقامی والا تر از همه پیامبران داشت.

شیمیل با نگارش این کتاب در اروپا و آمریکا سعی داشت به اثبات حقانیت خاتم انبیا و معرفی شخصیت الهی و انسانی پیامبر ﷺ و ترسیم چهره محبوب او بپردازد (گلی زواره، ۱۳۸۵: ۳۶۴). مترجم این کتاب بیان می‌کند که شیمیل با نشان دادن چهره انسانی و روحانی رسول خدا به عالم غرب، سعی کرده توهمات غرب را نسبت به ایشان روشن ساخته و توجه به فرهنگ عامه مسلمانان در ابراز علاقه و ارادت نسبت به پیامبر ﷺ بازگو کند. به عبارت دیگر، وی ضمن ارج نهادن بر نوشته‌های عالمانه، حقیقت وجودی حضرت محمد ﷺ را از زاویه دل و جان عموم مسلمانان، درس خوانده و درس ناخوانده که در حکایت‌ها و افسانه‌ها و اشعار عامیانه آنان انعکاس یافته است، توضیح می‌دهد (شیمیل، ۱۳۸۳: ۱۷). برخی معتقدند گویی او برای اعلام قاطع مسلمانی خویش بر «پیامبر خدا بودن محمد ﷺ» در جمع انبوهی از مخالفان و معاندان تأکید می‌ورزد (ابراهیم زاده گرجی، ۱۳۸۵: ۷۱). به تصریح شیمیل (۱۳۸۳: ۳۷)، این اثر ثمره علاقه چهل ساله او نسبت به شخصیت پیامبر ﷺ است.

شیمیل بیش از صد اثر در قالب کتاب، مقاله، ترجمه، گزارش، مصاحبه و مقدمه پدید آورده است (ناقد، ۱۳۷۱: ۱۲۷). او یک سال قبل از مرگ، خاطرات خود را در کتابی با عنوان زندگی غربی، شرقی من^۱ نگاشت. البته در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ نیز در پی دو یادبودی که در دانشگاه تهران برگزار شد دو اثر با عنوان عرفان پلی میان فرهنگ‌ها و آشنایی از آن سوی افق با محوریت زندگی‌نامه و آثار مکتوب و غیرمکتوب وی تألیف شد که جهت آشنایی با دیدگاه‌های تاریخی وی می‌توان به این

۱. این کتاب در ۴۶۴ صفحه با ترجمه سعید فیروزآبادی در سال ۱۳۸۷ ش توسط نشر افکار به چاپ رسیده است.

آثار مراجعه کرد. در مجموع، شیمیل ۴۶ اثر به زبان آلمانی و ۱۸ اثر به زبان انگلیسی و یک اثر به زبان ترکی دارد (لاهوئی، ۱۳۸۱: ۶۵). از آنجا که وی در پانزده سالگی زبان عربی را فراگرفته بود و شش زبان شرقی را می‌دانست، آثار وی از تنوع موضوعی برخوردار است.

گزارش معجزات در سیره نبوی

گزارش شیمیل از معجزات پیامبر ﷺ در مکه را می‌توان به سه بخش پیش از تولد، کودکی و نوجوانی، و پس از بعثت تقسیم کرد:

۱- گزارش‌های خوارق عادات در آستانه ولادت

شیمیل (۱۳۸۳: ۱۱) گزارش‌های معجزات پیش از ولادت را در موارد زیر بیان می‌کند:

- بنا بر متواترات مسلمانان، سپاهی بیگانه در سال تولد او مکه را محاصره کرده بود؛ چنان‌که در سوره فیل آمده، این سپاه ناگهان روی به بازگشت نهاد. بعدها این واقعه را معجزه‌ای تفسیر کرده‌اند که اشارت به آمدن محمد داشته است.

- آن‌گاه که وقت زایمان آمنه رسید، اتفاقات عجیبی رخ داد که آمنه آنها را چنین بازگو کرد: «و در آن اثنا که حمل من سنگین‌تر می‌شد صدایی می‌شنیدم که هر دم قوی‌تر به گوش می‌آمد، شگفتا! دستار دستی ابریشمین بین آسمان و زمین گسترده شد و صدایی را شنیدم که گفت او را از چشم مردان پنهان کنم. مردانی را دیدم ایستاده در هوا که آفتابه در دست گرفته بودند. قطرات عرق که از من فرو می‌افتاد مانند دانه‌های مروارید بود و خوشبوتر از مشک تند و من فریاد برداشتم: ای کاش عبدالمطلب به نزد من می‌آمد! سوگند که عبدالمطلب از من دور است! آنگاه دسته‌های مرغان را دیدم که بر من فرود آمدند و دامانم را بیوشاندند؛ نوک‌هایشان زمردین بود و بال‌هایشان یاقوت رنگ و خداوند پرده از چشمان من برداشت و زمین را در مشرق و مغرب دیدم. سه پرچم برافراشته دیدم، یکی در مشرق، یکی در مغرب و یکی بر بام کعبه. درد آغاز و کار بر من دشوار شد... پس محمد را بزادم و رو به سویش کردم تا نگاهش کنم؛ شگفتا! دیدمش که دراز کشیده در حال ستایش بود و دست‌هایش بر آسمان چونان کسی که به دعا مشغول است. آنگاه ابری دیدم که از آسمان آمد و او را چنان دربرگرفت که از چشم من ناپدید شد و شنیدم که یکی بانگ می‌داد: او را بر گرد زمین بگردان، در مشرق و در مغرب، و او را بر دریاها ببر تا او را به نام و به قامت و اوصافش بازشناسند و بدانند که در دریاها «ماهی» [محو‌کننده] خوانند، بدان سبب که شرک را بزدايد. آنگاه آن ابر به شتاب ناپدید شد و شگفتا، او همان‌جا دراز کشیده بود پیچیده به جامه سپید پشمین، و زیراندازش ابریشمین. سه کلید از مروارید سپید به دست داشت و یکی بانگ برآورد: بنگر!، محمد کلید پیروزی، کلید خون‌ریزی و کلید پیمبری در دست دارد» (همان، ۲۶۳-۲۶۴).

- برخی از گزارش‌های خوارق عادات هنگام تولد پیامبر ﷺ که شیمیل (۲۵۴) به آنها اشاره می‌کند عبارتند از: در نخستین خبرها، یاد از حوادث معجزه آسایی می‌رود که با شب ولادت محمد پیوند دارد و در آن جای تردیدی نیست. گفته‌اند که نوری تابناک از پیشانی عبدالله بدرخشید و او با آمنه ازدواج کرد و تقدیر الهی بود تا مادر پیامبر باشد. این نور به رحم آمنه حمل شد (همان، ۲۶۳). قدیمی‌ترین منابع عربی مانند ابن سعد (۱۴۱۰: ۹۸/۱) می‌گویند که با آمدن پیامبر نوزاد به دنیا نوری از رحم آمنه بدرخشید. حسان بن ثابت نیز به تولد توأم با معجزه او، از نور رخشانی نام می‌برد که به هنگام ولادت محمد تابان شد (شیمیل، ۱۳۸۳: ۲۲۱-۳۰۹).

- ابن جوزی در کتاب مَوْلِد خود نقل می‌کند که جبرئیل مژده آورد و عرش لرزید. فرشتگان به صدای بلند و پست آن را آشکار کردند. حوربان از کوشک‌ها برون آمدند و بوی خوش همه‌جا را گرفت. رضوان [نگهبان دروازه‌های بهشت] را خطاب آمد فردوس برین را یارای پرده کاخ برگیر، دسته‌ای مرغ از مرغان جنات عدن از سوی زیستگاه آمنه روانه ساز تا هر یک از منقار مرواریدی فرو اندازد و چون محمد ولادت یافت آمنه نوری بدید که قصرهای بصری را منور ساخت. فرشتگان بر گردش حلقه زدند و با آنها بگستردند. فرشتگان صف در صف ثناگویان، فرود آمدند و تپه و درّه را پر کردند (همان، ۲۶۲).

- در دلایل النبوه ابونعیم هم آمده است که در شب ولادت پیامبر ﷺ چهارپایان قریش همه به حرف آمدند تا به یکدیگر بگویند که رهبر آینده قوم ایجاد شد و به آمنه دستور دادند تا این نوزاد را محمد یا احمد بنامد و آبستنی آمنه بی‌زحمت و آسان بگذشت (همان، ۲۶۳).

- خبرهای دیگر حکایت از آن دارد که پیامبر نوزاد هنگام ولادت بر زمین افتاد، دست‌ها بر خاک فشرد و چشم بر آسمان بلند کرد. این خبر را نشانه فرمان‌روایی او بر همه زمین تفسیر کرده‌اند. نشانه‌های پر رمز و رازی به هنگام ولادت پیامبر در کشورهای مجاور به چشم آمد؛ تالارهای کاخ شهنشاهان ایران شکست برداشت؛ دجله و فرات بر پایتخت طغیان آورد. شایان اهمیت است که محمد مبرای از همه شوائب جسمانی به دنیا آمد. وقتی که از رحم پا به جهان گذاشت ختنه شده بود. این روایت را عموم مسلمانان اساس ختنه کردن پسران قرار داده‌اند و این تکلیفی است که در قرآن نیامده است اما در میان مسلمانان به سنت پیغمبر مشهور است (همان، ۲۶۴).

در توصیف این اخبار، شیمیل از خوارق عادات پیش و هنگام تولد با عنوان معجزات یاد کرده است؛ در حالی که در منابع شیعی و اهل سنت از این وقایع، با عنوان ارهاصات یاد می‌شود (نک. ادامه مقاله).

۲- گزارش خوارق عادات دوره کودکی و نوجوانی

شیمل (۱۳۸۳: ۱۱-۱۲) گزارشی از منابع اهل سنت می‌آورد مبنی بر این که محمد را در کودکی مانند دیگر پسران اعراب شهرنشین به دایه‌ای به نام حلیمه سپردند. گویا حلیمه الاغ لنگ پیری داشت که با دشواری بسیار از حومه شهر به مکه می‌رسید. وقتی این حیوان محمد را بر پشت خود حمل می‌کرد، ناگهان چابک می‌شد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۸/۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۱/۱۴۵-۱۴۸). به اعتقاد وی این نکته یکی از نخستین نشانه‌های بزرگی مقام و آینده این کودک بود. شاهد شگفت‌انگیز دیگر بر آینده او این خبر است که آن پسرک خردسال یک‌بار از نزد حلیمه رفت و گم شد، اما هیچ‌گزندی به او نرسید. چنان‌که بعضی سیره‌نویسان گفته‌اند معجزه شکافتن سینه محمد در اثنای همین غیبت اتفاق افتاده بود.

شیمل اشاره می‌کند که در میان داستان‌های مربوط به دوران کودکی حضرت محمد، داستان شکافتن سینه (انشرح صدر)، یکی از بخش‌های اصلی همه سیره‌ها است. به عقیده او شکافتن سینه با قدم نهادن رسول خدا با عالم معنا پیوند دارد (همان، ۱۲۹، ۱۲۶). آنه‌ماری این داستان را برگرفته از قرآن دانسته و سخن پیامبر ﷺ را در این داستان از دلائل النبوه (بیهقی، ۱۴۰۵: ۱/۱۴۷) و ابونعیم (۱۴۰۶: ۱/۳۰۲) نقل می‌کند. او چنین می‌گوید که سوره انشراح با این کلام الهی خطاب به پیامبر ﷺ آغاز می‌شود: «الم نشرح لک صدرک؟ آیا سینه‌ات را نگشودیم (یا گشاده نساختم)؟» این آیه را بدان معنی تفسیر کرده‌اند که خداوند سینه محمد را به‌نحوی خاص پاک گردانید و مرتبه‌ای بی‌مانند از پاکیزگی به وی عطا کرد؛ چنان‌که بتواند پیام الهی را بی‌کاستی بر آدمیان برساند. یکی از روایات کهن نیز سخن خود پیامبر را درباره این واقعه نقل می‌کند (شیمل، ۱۳۸۳: ۱۲۶). در کتاب‌های مرجع این داستان را محمد خردسال برای دایه خود حلیمه تعریف می‌کند. وی وقتی که محمد ناگهان ناپدید شد، دچار نگرانی گشت. این داستان نوعی از آداب خاص آغاز راهی را باز می‌گوید که این کودک خردسال با طی آن برای دریافت وحی الهی آماده می‌شود. به‌همین دلیل سیره‌نویسان گاهی آن واقعه را نه در کودکی محمد که پیش از معراج آسمانی او قرار می‌دهند (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۸۲/۲-۸۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۶/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲/۳۳۵). در این‌گونه روایت‌ها پیامبر ﷺ می‌گوید: «آنان وقتی نزد من آمدند که من در کنار خانواده‌ام بودم و مرا بر سر چاه زمزم آوردند و سینه‌ام را گشودند و با آب زمزم شستند؛ پس مرا ابدستانی زرّین بیاوردند، لبالب از ایمان و حکمت، و سینه مرا از آن پر کردند. پس آن فرشته همراه من سوی آسمان رفت.» شیمل به نقل از بیهقی (۱۴۰۵: ۱/۱۱۰) نوشته است که شاید مسئله «شق الصدر» دو مرتبه، یکی در دوران طفولیت و نزد حلیمه و دیگری در مکه پس از بعثت در شب معراج صورت‌گرفته باشد (شیمل، ۱۳۸۳: ۱۲۸). این تفسیر و تحلیل‌ها دارای اشکالات متنی و روشی است که چون خارج از

رسالت مقاله حاضر است به صورت گذرا در بخش نقدها به آن اشاره خواهد شد. به اعتقاد شیمیل (۱۳۸۳: ۵۷-۵۸)، دوره جوانی پیامبر نشانه خاصی داشت و آن مهر نبوت بود که منشور انتخاب او به مقام آخرین منادی وحی الهی بود (احزاب/ ۴۰). این مهر را برآمدگی گوشتی یا نوعی خال به اندازه تخم کبوتر و تیره‌رنگ وصف کرده‌اند که در میان دو شانه او جای داشت. گفته‌اند که بحیرا، راهب ترسا، از روی همین نشانه، محمد را در جوانی شناخت و دانست که او آخرین پیامبری است که خداوند ظهورش را بشارت داد و انجیل یوحنا او را شافع خوانده است.

۳- گزارش خوارق عادات پس از دوران بعثت

۳-۱- دریافت وحی الهی

شیمیل (۱۳۸۳: ۳۷) معتقد است که رسول خدا هرگز دعوی آن نکرد که دارای خصایص فوق بشری است، بلکه بشری بود که بر او وحی می‌رسید (فُصِّلَتْ/ ۶). او هرگز نمی‌خواست جز این باشد و چون مکیان با او به چالش می‌آمدند که معجزه‌ای بیاور؛ می‌گفت تنها معجزه در زندگی او آن است که وحی الهی را به عربی فصیح دریافت کرده و آن را به صورت این قرآن تقلیدناپذیر بر همگان آشکار گردانیده است.

۳-۲- معراج

شیمیل داستان شکافتن سینه پیامبر ﷺ را قبل از معراج ایشان به آسمان‌ها ذکر کرده و معتقد است که بنا بر احادیث اسلامی، اسراء و معراج در اواخر دوره‌ای که محمد در مکه زندگی می‌کرد، اندکی قبل از هجرت به مدینه اتفاق افتاد (همان، ۲۸۰). وی اشاره می‌کند که فایده این داستان آماده شدن محمد در آغاز راه برای دعوت به پیامبری و رسالت است. سپس معراج آسمانی اتفاق می‌افتد (همان، ۱۲۹). هسته‌ای که این حکایت پر رمز و راز از آن روید، جمله‌ای است در اولین آیه سوره اسراء که می‌فرماید: «ستایش خدایی راست که بنده خود را به شب از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی سیر داد». شیمیل بیان می‌دارد که نخستین سرگذشت‌نامه پیامبر، یعنی سیره ابن اسحاق، این حکایت را چنین نقل می‌کند که شبی جبرئیل فرشته، پیامبر را بر مرکبی آسمانی به نام بُراق بر نشاند؛ آنگاه محمد همراه جبرئیل به سفر شد و در این سیر شبانه (اسراء)، شگفتی‌های آسمان و زمین را تماشا کرد. پیامبر در بیت‌المقدس انبیای پیشین را دید و در نماز ایشان را امامت کرد. آنگاه پیامبر سیر آسمانی (معراج) خود را از مسجد اقصی آغاز کرد که آن را صعود بر نردبانی آسمانی وصف کرده‌اند (همان، ۲۷۸). شیمیل معراج را از معجزات الهی و این سیر شبانه پیامبر ﷺ را برگرفته از آیه نخست سوره اسراء می‌داند و بر این باور است که دو سیر برای رسول خدا اتفاق افتاد: ۱- سیر شبانه یا اسراء که به وسیله براق به همراه جبرئیل از مکه تا مسجدالاقصی

بود و ۲- سیرآسمانی که از مسجد الاقصی تا آسمان هفتم به طول انجامید. این سیر، همان معراج است (همان، ۲۷۹-۲۷۸).

۳-۳- اعجاز و شفا بخشی و مقام شفاعت

شیمل (۱۳۸۳: ۱۸) معتقد است که رویارویی بزرگ بین مسلمانان و اهل مکه در بدر نزدیک مدینه در شوال سال دوم هجرت رخ داد. بنا بر اخبار، مشتی سنگریزه که پیامبر ظاهراً به صورت نمادی از قدرت الهی به سوی سپاه مکه ریخت، موجب پیروزی مسلمانان شد. او این واقعه را از قرآن شرح می‌دهد و بیان می‌کند که خداوند درباره این واقعه می‌فرماید: «و ما رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللّٰهَ رَمٰی؛ و آنگاه که تو تیر می‌انداختی، تو تیر نمی‌انداختی، خدا بود که تیر می‌انداخت» (انفال/۱۷). این آیه مبنای تأملات عارفانه بی‌شماری درباره پیامبر شد؛ چنان‌که نوشته‌اند، دست او دست خدا بود.

آبی که پیامبر برای شست‌وشو بر دست و صورت می‌ریخت، پارسایان به سبب برکتش اغلب دوبار مصرف می‌کردند که داروی درد بود. این رسم در تاریخ ادیان مشهور است. بر همین روش از آب دهانش نیز به‌منظور شفا فایده می‌بردند. و مکرر حکایت کرده‌اند که پیامبر چشم‌درد علی ع را با کشیدن قدری از آب دهان خود بر آن شفا بخشید. گاهی نیز او تنها با دست کشیدن بر بدن کسی یا با دمیدن نفس خود بر او شفا بخشید و معجزه می‌کرد (همان، ۷۴-۷۵). نه تنها انسان‌ها بلکه حیوانات نیز به دست پیامبر شفا می‌یافتند (همان، ۱۴۱). شیمل به جنبه دیگری از کارهای معجزه‌آسای پیامبر اشاره می‌کند و آن را همان شفاعت کردن امت خود و واکنش مسلمانان نسبت به آن با صلوات و تحیات بر او معرفی می‌کند. وی معتقد است مندرجات کتاب دلائل الخیرات فهم ما را به این مطلب روشن و هدایت می‌کند (همان، ۱۴۹). این کتاب، نگاشته جزولی (متوفای ۸۷۰) و از آثار دعائیه است که با رویکرد عرفانی شیمل به سیره تطابق دارد.

۳-۴- شَقِّ الْقَمَرِ

شیمل معجزه دو نیم شدن ماه (شَقِّ الْقَمَرِ) را مأخوذ از آغاز سوره قمر می‌داند و می‌گوید این آیه حتی در نخستین روایات از نشانه‌های قیامت دانسته نشده، بلکه آن را معجزه پیامبر دانسته‌اند تا منکران قریش را بر راستی پیام خود مجاب سازد. پیامبر ماه را دو نیم کرد چنان‌که از آن میان کوه حرا دیده می‌شد (همان، ۱۲۹). آینه‌ماری اشاره دارد که این معجزه را دلیل بر صدق قول پیامبر می‌دانند. او از قول قاضی عیاض نقل می‌کند که فردی به نام شاه چَکَرَوْتی قَرْماس در جنوب هند دو نیم شدن ماه را به چشم دید و چون از شاهدان مورد اعتماد بشنید که در آن شب خاص چه واقعه‌ای

۱. برای اطلاع بیشتر درباره معجزه نما و شفاعت امت توسط رسول خدا نک. حکیمی فر، ۱۳۹۸: ۹۳/۱۰.

در مکه رخ داده است، اسلام بیاورد. به همین نحو می‌گویند که مسلمان شدن مردم نخستین آبادی‌های مسلمان شبه‌قاره هند در نتیجه همین معجزه صورت گرفته است. شاید هم این داستان در جنوب هند زبازد بوده و در چهار قرن نخستین هجری در آنجا به متنی عربی نقل شده است (همان، ۱۳۰).

۳-۵- اُمّی بودن پیامبر ﷺ

شیمیل لقب «اُمّی» (درس ناخوانده بودن) پیامبر ﷺ را مأخوذ از آیه ۱۵۸ در سوره اعراف می‌داند. «بگو ای مردم من فرستاده خدایم... پس به خدا و رسول او، آن پیامبر اُمّی ایمان بیاورید». شیمیل آن را از معجزات الهی رسول اکرم برمی‌شمارد. او با توجه به نظرات مختلف حکما و عارفان اسلام و روایات کهن اسلامی، عالمان مسیحیت و دانشمندان اروپایی و صوفیان و شاعران در مورد مفهوم کلمه «اُمّی» به تفصیل بحث کرده است (همان، ۱۳۷-۱۳۲).

۳-۶- برکت در مواهب دنیوی

شیمیل باران‌آوری، برکت در غذا و خوراکی، گواهی دادن حیوانات، درختان، سنگ‌ها و مانند اینها بر صداقت پیغمبر را از دیگر معجزات حضرت محمد ﷺ می‌داند و اخبار متواتر و داستان‌های مرتبط با آن را بیان می‌کند. او می‌گوید در کشورهای خاوری معجزه‌های مربوط به باران‌آوری جای خاصی در سیره محمد به خود اختصاص داده است. از آنجا که نماز برای باران (نماز استسقاء) در دوره دراز و خشک‌سالی در شمار نمازهایی است که به‌طور رسمی برگزار می‌شود، بسیار طبیعی است که پیامبر را نخستین کسی بنامند که برای خواستن باران نماز گزارد و دعا کرد و به اجابت رسید. کلماتی که پیامبر به دعا بر زبان راند باید هر مؤمنی به وقت گذاردن این آیین خاص بر زبان آورد. از دیگر معجزاتی که با باران‌آوری پیوند نزدیک دارد، جاری شدن آب از میان انگشتان محمد است (همان، ۱۳۸-۱۳۷).

آنهماری شیمیل، پس از بیان معجزات باران‌آوری می‌گوید معجزات دیگر با غذا پیوند دارد. کهن‌ترین و مستندترین معجزه مربوط به خوراکی‌ها شاید داستان ام‌معبد است. معجزه‌های مربوط به غذا در خبرهای متواتر بعدی بیشتر است. وی به معجزه برکت و زیاد شدن شیر گوسفند ام‌معبد توسط پیامبر، کافی بودن یک گوسفند برای غذای هزار نفر و کفایت اندکی غذا برای خیل مهمانان سرزده، آگاهی پیامبر از غذای آلوده به سمّ توسط زنی یهودی اشاره می‌کند. افزون بر این، از حیوانات اغلب برای گواهی دادن بر صداقت پیامبر نام به میان می‌آید مثلاً ابونعیم و بیهقی یادآوری می‌کنند که شتران و جانوران وحشی به چه نحو خود را در برابر پیامبر به خاک می‌افکندند و با زبان خود بر همگان آشکار می‌ساختند که محمد به‌راستی رسول و فرستاده خدا است. درخت‌ها و سنگ‌ها نیز

گواهی دادند که محمد پیام آور خداوند است و به این ترتیب در گرویدن کافران به اسلام سهم داشتند. گفته‌اند که حتی در و دیوار خانه دعای او را آمین گفته‌اند و چون در آفتاب سوزان از خانه بیرون می‌رفت ابری بالای سر او حرکت می‌کرد تا او را از نور خورشید در امان دارد (همان، ۱۴۰-۱۳۸).

مطالعه انتقادی دیدگاه شیمل در مورد معجزات پیامبر ﷺ

شیمل خرق عادات و کرامات نبی را «معجزات» می‌خواند یعنی کارهایی که دیگران از آوردن مثل آن ناتوانند. این کارها با خرق عاداتی که از اولیا سر می‌زند و «کرامات» گفته می‌شود، تفاوت دارد. در روزگار متأخر به‌ویژه در میان غیرعرب شرح کارهای خارق عادت را که از پیامبر، اصحاب و خاندان او و از اولیای بزرگ به ظهور رسیده است به لفظ کلی «مناقب» می‌نامند (همان، ۱۲۶).

شیمل تفاوتی بین «ارهاص» و «معجزه» قائل نیست. او به سخن قاضی عیاض در الشفاء بتعریف حقوق المصطفی اشاره می‌کند که می‌گوید: «... خداوند پیامبر را فضل بخشید و برتری داد، و او را به معجزات باهر، براهین واضح و کرامات یبّین، مؤید داشت» (همان، ۷۶). او معتقد است که معنی رسالت پیامبر و مسئله ضرورت معجزات مربوط به آن، اغلب در قرون اخیر موضوع بحث قرار گرفته است؛ به‌ویژه در میان مسلمانان تجددخواه که تکیه بیش از اندازه بر جنبه معجزات نبی را خطرناک می‌دیدند و بنابراین می‌کوشیدند تا زندگینامه پیامبر را از افسانه‌پردازی دور کنند (همان، ۱۲۶).

شیمل می‌گوید در سنت اسلامی «اگر محمد از برکت فزه ایزدی خارق عادت نصیب نمی‌یافت»، نمی‌توانست راه کمال را بییماید. چنان‌که یوهان فوک به شایستگی می‌گوید: «هنوز هم بازتاب آن مکاشفه الهی و مشاهده ربانی را که هزار و سیصد سال پیش به محمد بن عبدالله نیرو داد تا قدم پیش نهد و خداوند و روز داوری را بر خلق موعظه کند در دیانت راستین اسلامی می‌بینیم» (همان، ۹۷-۹۸). بنابراین، شیمل معجزه را امری الهی و خارق عادت می‌داند و در کتاب محمد رسول خدا تنها در یک فصل با نام قصه‌ها و معجزه‌ها به صورت خلاصه آنها را شرح می‌دهد و به دنبال تبیین تمام معجزات نبی نیست؛ اما به صورت پراکنده در محتوای بقیه فصول کتاب به مواردی از آن اشاره می‌کند.

شیمل معتقد است که پیامبر از ادعای این‌که معجزه‌ای به جز قرآن آورده تا بر راستی رسالتش گواهی دهد، امتناع داشت. بنابراین قرآن مجید خود نه تنها حاوی اشاراتی بر صفات و اعمال شریف پیامبر است بلکه از برخی واقعه‌های اسرارآمیز و معجزه‌آسای زندگی او نیز سخن می‌گوید که نشان از مقام خاص او در میان افراد بشر دارد (همان، ۱۲۵). به اعتقاد وی معجزه‌هایی چون شکافتن سینه، شق القمر و آمدن او در میان افراد بشر دارد (همان، ۱۲۵). به اعتقاد وی معجزه‌هایی چون شکافتن سینه، شق القمر و آمدن او در میان افراد بشر دارد (همان، ۱۲۵). به اعتقاد وی معجزه‌هایی چون شکافتن سینه، شق القمر و آمدن او در میان افراد بشر دارد (همان، ۱۲۵).

از قرآن برداشت کرد (همان، ۱۳۷). معجزه‌های دیگر منسوب به وی نیز به صورت داستان‌های بسیار درازدامن و اغلب خیال‌انگیز و حکایات مشتمل بر معجزات، توسط مفسران قرآن و بیش از آنها راویان مشهور قصص (قصاص) و از همه بیشتر عارفان و شاعران به وجود آمده است که با سیر روزگاران بخشی از اجزای زندگی نامه‌های پیامبر شد و منشأ الهام آثار شاعرانه بی‌شمار قرار گرفت (همان، ۱۲۵-۱۲۶).

با مطالعه انتقادی اثر شیمل، نقدهای آن را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱- نقدهای محتوایی

۱-۱- ناهماهنگی ادعای فوق بشری نبودن پیامبر ﷺ و گزارش‌های مورد قبول

شیمل

برخی معتقدند بیهقی نخستین کسی بود که بیشترین معجزات و بینات را برای پیامبر ﷺ برشمرد. به گفته اهل علم، علامات (دلایل) وی به هزار عدد می‌رسد. اشکال اساسی بیهقی این است که او ابتدای کتاب دلائل النبوه، تأکید دارد بر اینکه قرآن از خداست، نه از پیامبر بشری و او نیز از آوردن مثل قرآن، عاجز است؛ اما بعد در بیش از سه هزار صفحه می‌کوشد تا ثابت کند پیامبر ﷺ بشری مانند بقیه نیست و با بیان معجزات می‌خواهد طاقت و نیروی فوق بشری رسول خدا را ثابت کند (طرایب‌شبی، ۲۰۰۸: ۴۶-۴۷). این اشکال به شکلی دیگر متوجه شیمل نیز هست که ابتدا فوق بشری نبودن آن حضرت را ادعا می‌کند و سپس با رویکرد صوفیانه و عرفانی مجموعه‌ای از خوارق عادات بشری را برای پیامبر ﷺ ذکر می‌کند. به عبارتی شیمل در ابتدای کتاب خود می‌نویسد: پیامبر هیچ گاه ادعای فوق بشر بودن، نکرده است (همان، ۳۷). ولی با دقت نظر می‌توان متوجه شد که شیمل در پذیرفتن گزارش‌های خوارق عادات با تساهل و تسامح برخورد کرده است.

۱-۲- عدم تمایز ارهاص و معجزه

از نقدهای جدی وارد به کتاب شیمل، عدم تمایز بین ارهاص و معجزه است. اندیشمندان، مورخان و متکلمان اسلامی بین انواع خوارق عادات تفاوت قائل شده‌اند و بدون توجه به این تفاوت‌ها تحلیل وقایع تاریخ اسلام انتزاعی خواهد بود.

بر پایه تعاریف اصطلاحی معجزه که اندیشمندان بر آن اتفاق نظر دارند، می‌توان شرایط و به عبارتی مؤلفه‌های زیر را برای آن برشمرد: امری غیر عادی (خارق‌العاده)؛ همراه با ادعای نبوت؛ مقرون به تحدی؛ رخدادی مطابق با ادعای آورنده آن (حلبی، ۱۴۱۷: ۱۵۴-۱۵۶).

گفته می‌شود گزارش‌های ارهاصات از جمله گزاره‌های پذیرفته و مستند در سیره نبوی است و به تواتر به دست ما رسیده و مجموع آنها پذیرفتنی است (جهلوم و حماد، ۱۴۱۴: ۹، ۱۱). اصل

گزارش‌های ارهاصات و اساساً وجود چنین پدیده‌ای در سیره نبوی با دلایل نقلی قابل پذیرش است و به صرف وجود گزارش‌های غیرمعتبر یا افزایش غیر واقعی این گزارش‌ها در طول زمان، به وسیله گروهی - با هر انگیزه و هدفی - نمی‌توان مجموع آنها را رد کرد، بلکه باید با بررسی‌های دقیق‌تر افزوده‌های نامعتبر را کشف و از گزارش‌های صحیح و قابل اعتماد دفاع کرد (عاملی، ۱۴۲۲: ۲۹۸/۲).

بنا بر آنچه گفته شد، معجزه، خرق عادت‌ی است که از سوی پیامبر ﷺ پس از ادعای نبوت صورت می‌گیرد و تحدی در آن راه دارد. آنچه مورد بحث و رد و اثبات قرار گرفته، معجزات حسّی رسول خدا است که بحث مخالفان و موافقان آن از همان ابتدای تدوین متون تا کنون ادامه دارد (دشتی و خراسانی، ۱۳۸۶: ۵۵۸/۳). وجه تشابه ارهاص و معجزه در این است که هر دو مربوط به کار خارق‌العاده بوده و هر دو اختصاص به پیامبران داشته و با هدف اثبات نبوت آنان رخ داده است. اما وجه تمایز آنها در زمان وقوع است که ارهاص مربوط به قبل از بعثت و معجزه منحصر به خوارق عادات پس از بعثت است. در ارهاص، تحدی راه نمی‌یابد، اما معجزه به‌طور قطع مقرون به تحدی است. توجه به تفکیک مرز معنایی ارهاص و معجزه مانع تداخل این دو مقوله خواهد شد.

۱-۳- رویکرد صوفیانه و عرفانی در تحلیل محتوای گزارش‌های سیره

تاریخ و سیره رسول خدا عینی است نه انتزاعی. استفاده افراطی از کشف و شهود و امور ماورائی که در رویکرد صوفیانه جذابیت ویژه دارد، در امور عینی آسیب زنده خواهد بود. به این معنا که معجزات و ارهاصات انبیای پیشین و نبی گرامی اسلام از امور پذیرفته شده است اما توسعه آن از عقلانیت دینی می‌کاهد. از این‌رو گزارش‌های خوارق عادات با دقت بیشتر باید ارزیابی درونی و بیرونی شوند.

۲- نقدهای روشی

۲-۱- اتکاء بر منابع اهل سنت و استفاده کمتر از منابع شیعی

پیش از این بیان شد که قصه شق الصدر را شیمیل از ابونعیم اصفهانی و بیهقی نقل می‌کند؛ گرچه در دیگر منابع اهل سنت نیز با جزئیات ثبت شده است (نک. ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۴۷۸/۳۰؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۹۶/۳۰، ۴۰۹). عدم و یا کمبود اشاره به منابع شیعی و اختلاف موجود در دو فرقه مهم اسلامی در مورد شق الصدر و ناسازگاری این ماجرا با ادعای اولیه شیمیل که فوق بشری بودن پیامبر ﷺ را نمی‌پذیرد، از نقدهای مهم کتابش است. مسئله شق الصدر اختلافی است و شیعیان آن را با دلایل عقلی و نقلی نمی‌پذیرند، از این‌رو باید این اختلاف نظر فرق اسلامی در کتاب منعکس می‌شد. همچنین شیمیل به دلیل اینکه به منابع اهل سنت بسنده کرده است در برخی از آراء خود

همچون رؤیت یا عدم رؤیت خداوند در معراج توسط پیامبر، جسمانی یا روحانی بودن معراج دچار تشکیک شده است (ایزدی و محمدی، ۱۳۹۴: ۴۳).

شیمل (۱۳۸۳: ۵۳-۵۵) در مورد شمایل نگاری از آثار ابو عیسی ترمذی، قاضی عیاض، قسطلانی و یوسف النبهانی استفاده می‌کند. همچنین به کتاب‌های دلایل و شمایل به قلم ابونعیم اصفهانی و بیهقی که از مورخان و شرح حال نگاران اهل سنت هستند، ارجاع می‌دهد. شیمل معتقد است این دو کتاب به شرح معجزاتی که مشاهده شده نیز آنچه پیش از تولد و پس از ولادت محمد و نیز پس از دعوت او برای پیامبر اتفاق افتاده و آنچه به مقام والای خاتم پیامبران اشارت دارد، مزین است. هر دو مأخذ درباره دودمان جلیل و صفات شریف آن حضرت سخن گفته و معجزات بی‌شمار نقل کرده‌اند؛ مبنی بر این که انسان‌ها و حیوانات اقرار کرده‌اند که محمد پیامبر خاص خداست. این گونه حکایت‌ها مبنای افسانه‌ها و شعرهایی شد که عقاید عامه مردم را در طول قرن‌ها درباره محمد نمایش داده است.

۲-۲- اعتماد به افسانه‌ها در سیره نگاری

شیمل معتقد است که زندگانی حضرت محمد ﷺ را از منابع مختلف دریافت می‌کنیم و تردید نباید داشت که پیرامون هسته مرکزی مطالب واقعی، افسانه‌های بی‌شماری تبلور یافته است. به نظر شیمل محبوبیت الهی رهبر دینی راستین را از روی این افسانه‌ها بهتر می‌توان شناخت تا از روی واقعیات دوران زندگیش؛ زیرا همیشه این احتمال وجود دارد که سیره‌نویسان، آن واقعیات را موافق دیدگاه خاص خود تفسیر کرده باشند (همان، ۱۰). بنابراین، شیمل افسانه‌ها را از زندگی‌نامه پیامبر کنار نمی‌گذارد و پژوهش در زندگی پیامبر را به شیوه رایج تاریخی، تکلیفی ناممکن می‌داند (همان، ۱۱). او معتقد است که مفسران قرآن و بیش از آنها راویان مشهور، قصص و از همه بیشتر عارفان و شاعران، قصه‌ها و داستان‌های زندگانی رسول خدا را از قرآن گرفتند. وی قرآن مجید را به‌عنوان اثری معرفی می‌کند که از وقایع اسرارآمیز و معجزه‌آسای زندگی پیامبر ﷺ سخن می‌گوید و حاوی اشاراتی بر صفات و اعمال رسول خدا است. شیمل دسته‌بندی منظم و دقیقی از معجزه‌ها به ترتیب تاریخی ارائه نکرده است. رویکرد وی، ضد خرق عادت نیست و باور دارد: «اگر پرده لطیف افسانه‌ها را از زندگی رسول خدا کنار نزنیم، خواهیم توانست شرح تاریخ‌گونه‌ای از زندگی وی ترسیم کنیم» (همان). از این رو اصل ماجرای شق الصدر را برخلاف نویسندگان معاصر می‌پذیرد و تنها در مورد بخش‌هایی از آن، مانند انتساب شعر مذکور در منابع و مکان رخداد دیدگاه‌هایی خاص دارد (همان، ۱۲). به نظر می‌رسد نگاه وی به سیره، لطیف و احساس‌مدارانه است و خواری عادات را لازمه نبوت می‌داند.

۲-۳- ارتباط معجزات پیامبر ﷺ با روایات کهن هند

شیمل در فصل چهارم کتابش با عنوان «قصه‌ها و معجزات» به خوارق عادات اشاره‌هایی داشته و مواردی چون شق القمر، دمیدن روح در مرده، نماز باران و برکت در شیر گوسفندان قبیله حلیمه را بیان کرده است. وی درباره شق القمر، پس از بیان نظر قاضی عیاض که گوید: «حتی اگر هیچ‌کس گزارشی از دو نیمه‌شدن ماه نداده باشد، به نحوی که آدمی احتمال اتفاق بر دروغ را ندهد، باز هم نزد ما دلیلی بر خلاف آن نیست؛ زیرا همه مردم زمین، ماه را به حد واحد نمی‌بینند». وی می‌نویسد: «قاضی عیاض که در شهر سبته اندلس می‌زیست، از روایات کهن هند آگاهی نداشت؛ اما شادمان می‌شد اگر خبر می‌یافت که در آن پاره از جهان، حکایت می‌کنند که فردی به نام «شاه شکروتی فرماد»، در جنوب هند به‌راستی دو نیمه‌شدن ماه را دید و چون از شاهدان مورد اعتماد شنید که در آن شب خاص، چه واقعه‌ای در مکه رخ داده است، اسلام بیاورد. به همین نحو می‌گویند که مسلمان شدن مردم نخستین آبادی‌های شبه‌قاره هند، در نتیجه همین معجزه صورت گرفته است. شاید هم این داستان در جنوب هند زبازد بوده و در اواخر قرون وسطی در آنجا به متنی عربی نقل شده است» (همان، ۱۳۰). او پس از بیان ماجرای یاد شده، به نقاشی مینیاتوری در دربارِ کوتاه راجپوت اشاره می‌کند که در آن، شق القمر با تمام جزئیات دیده می‌شود. البته وی خوارق عاداتی چون سایه نداشتن آن حضرت را ناشی از اغراق‌های متأثر از منابع شعر عامیانه پشتو می‌داند (همان، ۵۹). به نظر می‌رسد با وجود منابع اصیل اسلامی اعم از منابع شیعی و اهل سنت، نیازی به تمرکز غیر روایی، تاریخی و اساطیری در مبحث معجزات نیست.

نتیجه

محمد رسول خدا اثر آنه‌ماری شیمل از کتاب‌های مهم مستشرقان و در بردارنده مطالب مفیدی در مورد مصادیق ارهاص و معجزه است. با مطالعه انتقادی می‌توان دریافت که به لحاظ روش و محتوا نقدهای جدی بر این کتاب وارد است. گرچه وی حوادث و معجزات هنگام ولادت را - که در اصل ارهاصات است نه معجزات - قابل تردید نمی‌داند اما تحلیل علمی نیز از آنها ارائه نمی‌دهد. او بدون طیف‌بندی معجزات تنها به ثبت گزارش‌های معجزه‌محور می‌پردازد. شیمل قرآن را یگانه معجزه پیامبر معرفی کرده است؛ با این حال معجزات مذکور در قرآن مانند شرح الصدر، شق القمر، اُمّی بودن، سیر آسمانی معراج و شفاعت‌گری محمد ﷺ در روز قیامت را نیز پذیرفته و سایر معجزات ذکر نشده در قرآن را رها می‌کند. به اعتقاد وی این معجزه‌ها مبتنی بر جان‌مایه‌ها و افسانه‌های موجود در فرهنگ عامیانه است. ناسازواری بین ادعای فوق بشری نبودن نبی و پذیرش گزارش‌های برخی خوارق عادات و به‌ویژه تأکید بر شرح الصدر، عدم تفکیک ارهاصات و معجزات و ایجاد ارتباط بین معجزات نبی اکرم با روایات کهن هند از جمله نقدهایی است که می‌توان بر نظرات شیمل درباره ارهاصات و معجزات مطرح کرد. به لحاظ روشی نیز مواردی مانند رویکرد صوفیانه به سیره نبوی و معجزات، اتکای افراطی و گاه اکتفا به منابع اهل سنت و استفاده بسیار اندک از منابع شیعی و اعتماد به افسانه‌ها از دیگر نقاط ضعف کتاب آنه‌ماری شیمل است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابراهیم زاده گرجی، رمضان (۱۳۸۵)، «دمی با محمد، رسول خدا نوشته خانم آنه‌ماری شیمیل»، نشریه کیهان فرهنگی، ش ۲۴۱، آبان، ص ۷۱-۶۸.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰)، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۴۲۰)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی (۱۴۰۷)، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۶)، دلائل النبوه، تحقیق محمد رواس قلعه چی و عبدالبر عباس، بیروت، دارالنفائس.
- ایزدی، مهدی و باب‌اله محمدی نبی‌کندی (۱۳۹۴)، «تحلیل و بررسی تطبیقی معراج پیامبر (ص) از دیدگاه مایکل سلز و آنه‌ماری شیمیل با نگاه درون‌مذهبی»، نشریه الهیات تطبیقی، سال ۶، ش ۱۳، بهار و تابستان، ص ۴۳-۵۸.
- آشنایی از آن سوی افق: مجموعه سخنرانی‌های سمینار بزرگداشت آنه‌ماری شیمیل (۱۳۸۳)، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵)، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه، تحقیق عبدالمعطی قلجچی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۱۴۰۹)، شرح المقاصد، تحقیق و تعلیق عبدالرحمن عمیره، قم، منشورات الرضی.
- تَهانَوی، محمد علی (۱۹۹۶م)، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- جرجانی، میر سید شریف (۱۴۱۲)، التعریفات، تهران، ناصرخسرو.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷)، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.

- جَهْلوم، ابراهیم و عبدالسلام حَمَاد (۱۴۱۴)، معجزات الرسول و دلائل صدق نبوته، قاهره، دارالمصريه اللبنانيه.
- حکیمی فر، خلیل (۱۳۹۸ش)، «جزولی، محمد»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- حلبی، ابوصلاح (۱۴۱۷)، تقریب المعارف، تحقیق فارس الحسون، بی‌جا، الهادی.
- حلی، جمال الدین کشف المراد (بی‌تا)، شرح تجرید الاعتقاد، ترجمه ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیة.
- خندق آبادی، حسین (۱۳۸۶ش)، افسانه‌خوان عرفان، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- دشتی، سید محمود و علی خراسانی (۱۳۸۶)، دایره المعارف قرآن الکریم، قم، بوستان کتاب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار الشامیه.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱)، تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق، دار الفکر المعاصر.
- شیمیل، آنهماری (۱۳۸۳)، محمد رسول خدا (ص)، ترجمه حسن لاهوتی، تهران، علمی‌فرهنگی.
- صالحی شامی، سبیل الهدی والرشاد (۱۴۱۴)، ترجمه عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- طرابیسی، جورج (۲۰۰۸)، المعجزه أو سُبات العقل فی الاسلام، بیروت، دارالساقی.
- طیبی، ناهید (۱۴۰۳)، ارهاصات پیامبر (ص)؛ تطور مفهومی اصطلاح «ارهاص» و تبیین رویکردهای معاصر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۲)، خلفیات کتاب مآساة الزهراء علیها السلام، بیروت، دارالسیره.
- عجم، رفیق (۲۰۰۴)، موسوعه مصطلحات ابن خلدون و الشریف علی محمد الجرجانی، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۵)، «نظری به کتاب محمد رسول خدا»، پیام زن، ش ۱۷۹ و ۱۸۰، بهمن و اسفند، ص ۳۶۴-۳۷۷.
- لاهوتی، حسن (۱۳۸۱)، «یاد و یادبود؛ آنهماری شیمیل مولوی‌شناس فقید»، بخارا، آذر و دی، شماره ۲۷، ص ۳۲۸-۳۳۶.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، النُکَتُ الإعتقادیة، تحقیق رضا مختاری و سیدعلی میرشریفی، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.
- _____ (۱۴۱۴)، الإرشاد فی معرفة حُجَجِ الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت لتحقيق التراث، قم، دارالمفید.

- ناقد، خسرو (۱۳۷۱)، «کتاب‌شناسی آثار پروفیسور آنه‌ماری شیمل»، کلک، ش ۲۸، تیر، ص ۱۳۵-۱۴۶.
- نجفی یزدی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، «اعجاز ائمه‌علیهم‌السلام) و روایات مربوط به آن؛ نقد مقاله حسین‌بن‌حمدان و الهدایه‌الکبری»، فصلنامه ادیان و معارف، شماره ۱۹، پاییز، ص ۱۳۴-۱۷۴.
- وایدنر، اشتفان (۱۳۸۲)، «شناخت‌نامه پروفیسور آنه‌ماری شیمل»، آشنایی از آن سوی افق (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های سمینار بزرگداشت آنه‌ماری شیمل)، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.